روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

سه‌شنبه | ۱۷ خرداد ۱۴۰۱ | ۷ ذی‌القعده ۱۴۴۳ | ۷ ژوئن ۲۰۲۲ | سال چهاردهم | شماره ۳۵۰۱ | ۸ صفحه | ۳۰۰۰ تومان

| ۱۱۸۳ سال و ۲۳۴ روز گذشت |

VATAN-E-EMROOZ | VOL.14 | NO.3501 | TUE.JUN.07, 2022 | ISSN:2008-2886

پیام تسلیت رهبر انقلاب در پی درگذشت حجت‌الاسلام سید محمود دعایی

صفحه ۲

گفت‌وگوی «وطن‌امروز» با مسعود شجاعی‌طباطبایی درباره برگزاری نمایشگاه «کن از نمای نزدیک»

سیلی خواهند خورد

صفحه ۸

چوب در آستین اروپا

مقامات دولت لهستان به مردم پیشنهاد دادند برای تأمین گرمایش خانه‌ها در زمستان از چوب‌های جنگل استفاده کنند

پارلمان انگلیس با ارائه طرحی درباره زمستان سخت در این کشور و قطع برق ۶ میلیون خانه هشدار داد

صفحه ۷

تیترهای امروز

نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با تکرار ادعاهای ضدایرانی گروسی آغاز شد

انشای اسرائیلی

■ امیرعبداللهیان: اگر بانیان قطعنامه ضدایرانی در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روش تهدید را دنبال کنند، مسؤول همه عواقب آن هستند

صفحه ۲

اذعان صهیونیست‌ها به بی‌تأثیر بودن ترور دانشمندان در توقف برنامه هسته‌ای ایران

هسته‌ای توقف‌ناپذیر

صفحه ۲

بحران در فدراسیون فوتبال کانادا به خاطر لغو بازی با جایگزین ایران

چاه‌کن در ته‌چاه

صفحه ۶

دلار ۴۲۰۰ تومانی چگونه رشد اقتصادی در بخش کشاورزی را تضعیف کرد

آتش ارز ترجیحی بر خرمن کشاورزی

■ امکان ایجاد بیش از ۳ میلیون شغل در زمینه کشاورزی با هزینه صرف شده برای تخصیص ارز ترجیحی در سال ۱۴۰۰

صفحه ۵

مدیرعامل سازمان بیمه سلامت در گفت‌وگو با «وطن‌امروز» مطرح کرد

عدالت درمانی با بیمه همگانی

صفحه ۴

نگاه

چرخش راهبردی در فرآیند برنامه هفتم توسعه

علیرضا نصراصفهانی*: نظام برنامه‌ریزی اکنون در فرآیند تدوین برنامه هفتم توسعه قرار دارد. سوالات و چالش‌های مختلفی در برابر طراحان برنامه قرار دارد؛ سوالاتی از قبیل آنکه رویکرد برنامه هفتم چه باشد و نقطه تمرکز و راهبردهای کلان برنامه بر مبنای چه مدلی تنظیم شود. اگرچه بررسی کامل این موضوع در حوصله این یادداشت نخواهد بود ولی نویسنده به قدر وسع سعی دارد به این پرسش‌ها پاسخ دهد.

۱- رویکرد «برنامه توسعه» ماموریت‌گرا، آینده‌نگارانه، مساله‌محور و چند بعدی باشد

تاکنون «برنامه‌های توسعه» کشکول‌محور، کلی، بدون هدف و قلمرو مشخص و بیشتر شبیه فهرست آرزوهای ملی بوده است. کشورهای پیشرو مانند آلمان الگوهای برنامه‌ریزی توسعه ماموریت‌گرا را تجربه کرده‌اند، از طرفی ناگفته نماند پارادایم اولویت‌گذاری علم و فناوری نیز از سیاست صنعتی به سمت پارادایم نظام نوآوری و ماموریت‌گرایی نوین در حال حرکت است. همچنین کشورهای پیشرفته مانند ژاپن و کره‌جنوبی با استفاده از برنامه‌های آینده‌نگاری ملی ماموریت‌گرا، اولویت‌گذاری علم و فناوری خود را در سطح ملی انجام می‌دهند. لذا نقاط تمرکز و ماموریت‌های برنامه توسعه باید مبتنی بر برنامه‌های آینده‌نگاری ملی تنظیم شود، ولی با توجه به زمان کم باقی‌مانده برای تدوین برنامه هفتم توسعه و عدم امکان برگزاری برنامه آینده‌نگاری ملی، پیشنهاد نویسنده این نوشتار آن است که رئوس تمرکز برنامه از تقاطع کلان‌روندهای جهانی (نیروهای پیشران جهانی)، کلان‌روندهای ملی (نیروهای پیشران آینده ایران) و کلان مسائل امروز ایران احصا شود. بر این اساس، پیری جمعیت و تغییرات اقلیمی از جمله رئوس برنامه توسعه ایران خواهد بود.

۲ـ نهادهای راهبر برنامه هفتم توسعه باید نهادهای پیشرفت باشند

به‌رغم آنکه بسیاری از تغییرات و تصمیمات برای پیشرفت کشور روشن است اما همچنان اقداماتی برای تحقق آن انجام نمی‌شود. به عنوان مثال، از ابتدای انقلاب اسلامی تک‌محصولی بودن یک نقطه ضعف برای اقتصاد ملی محسوب می‌شود و از خام‌فروشی نهی شده است. با این حال بخش اعظم درآمد ارزی کشور از محل فروش نفت به دست آمده است. مواردی دیگر چون حمایت از تولید داخل و استقرار دولت الکترونیک، مدت‌هاست مورد تاکید نخبگان قرار دارد لیکن اقدامی درباره آن صورت نگرفته یا ناتمام مانده است.

ادامه در صفحه ۶

بال زدن پروانه در اوکراین؛ قحطی و گرسنگی در دنیا

یادداشت

فرزانه دانایی: ری بردبری، رمان‌نویس و شاعر آمریکایی هنوز بسیاری از وقایع به‌هم‌پیوسته جهانی در سال‌های آینده را مشاهده نکرده بود که سال ۱۹۵۲، داستان معروف «آوای تندر» را نوشت و در آن از «اثر پروانه‌ای» صحبت به میان آورد. با این حال ۷۰ سال بعد از انتشار این داستان، این پدیده تخیلی، در دنیایی که هر روز مرزها اهمیت خود را بیش از پیش از دست می‌دهند، به پدیده‌ای واقعی با تبعات و نتایج خاص تبدیل شد. در تئوری آشوب که بر اساس نظریه «اثر پروانه‌ای» مطرح شده، اشاره می‌شود که تغییر کوچک در یک سیستم آشوب‌ناک مانند جو سیاره زمین می‌تواند باعث تغییر شدید در آینده یا در مکانی دیگر شود. بر همین اساس است که در نظریه‌های مرتبط با پیش‌بینی وضع هوا در نقاط مختلف دنیا نیز می‌توان رد پای این نظریه را مشاهده کرد؛ تا جایی که نام یک مقاله علمی، به ضرب‌المثلی معروف در دنیا تبدیل شده است: «آیا بال زدن پروانه در برزیل می‌تواند باعث ایجاد تندباد در تگزاس شود؟»

این بار اما تحولات جهانی به ما یادآوری می‌کند که احتمال جنگی ۳ ماهه در اوکراین می‌تواند باعث ایجاد قحطی مواد غذایی در آفریقا یا مشغول شدن تمام دنیا به رقابت برای خرید و تولید گندم شود.

رسانه‌های غربی مدتی است به این مساله پرداخته‌اند و یک نمونه معروف از اظهارنگرانی‌ها در این باره را می‌توان در جلد هفته‌نامه اکونومیست مشاهده کرد؛ جایی که یک خوشه گندم مشاهده می‌شود که به جای دانه‌های گندم، در آن اسکلت سر انسان وجود دارد. طعنه اکونومیست به قحطی بزرگ در دنیا بر اثر جنگ در اوکراین است و البته هشداری درباره وضعیت وخیم و خطرناکی که در آینده می‌تواند به وقوع بپیوندد.

در طول ۳ ماه گذشته که روسیه به اوکراین حمله نظامی کرده است، هشدارهای از این دست بسیار در رسانه‌های غربی دیده شده است. برخی دنیا را در آینده درگیر بحران قحطی نان می‌بینند، عده دیگری بحران را به بحران کلی مواد غذایی در کل دنیا و بویژه آفریقا نسبت می‌دهند و اعتقاد دارند همزمان شدن حمله به اوکراین با روزهایی که هنوز بسیاری از کشورها مانند چین درگیر در قرنطینه‌های کرونایی هستند، احتمالا باعث ایجاد بحران‌های شدیدتر در کل دنیا می‌شود. برخی دیگر مانند وزیر خارجه ایتالیا بر این عقیده‌اند به واسطه محاصره‌ای که روسیه برای بنادر اوکراین به وجود آورده است، جنگ جهانی نان از هم‌اینک آغاز شده و احتمال دارد بسیاری از مسائل سیاسی در دنیا در آینده نزدیک ریشه گرفته از همین مساله باشد. وزیر خارجه ایتالیا بر این عقیده است کشورهای آسیب‌پذیری مانند کشورهای آفریقایی به دلیل عدم دسترسی مناسب به گندم و نان، درگیر در قحطی و پس از آن جنگ یا کودتاهای داخلی می‌شوند. چندی پیش اکونومیست نیز هشدار داده بود نخستین کشورهای درگیر در بحران نان، کشورهای منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) خواهند بود که هم‌اکنون درگیر مساله بحران آب و افزایش گرد و خاک و آلودگی ناشی از ریزگردها هستند و پس از مدتی قرار است درگیر جنگ‌های داخلی یا منطقه‌ای برای دسترسی داشتن به منابع غلات نیز شوند. «برنامه جهانی غذا» در عین حال پیش‌بینی کرده است تنش جهانی بر سر دسترسی به غلات همچون گندم و ذرت در نتیجه جنگ اوکراین، به دلیل وجود پاره‌ای عوامل در آمریکای لاتین همچون نابرابری‌ها، عوامل اقلیمی، چالش‌های سیاسی و اجتماعی، این منطقه را با خطر بحران حاد ناامنی غذایی مواجه خواهد کرد.

■ چرا لحن غرب در برابر مسکو ملایم‌تر شد؟

نکته جالب در این میان تلاش یکباره غرب بویژه آمریکا و فرانسه برای پایان دادن به جنگ اوکراین از طریق مذاکره بین مسکو و کی‌یف است. ایالات‌متحده که از شرایط ایجاد شده برای روسیه تا حد زیادی خرسند بود و اعتقاد داشت جنگ اوکراین باید مانند تله‌ای روسیه را در خود ببلعد تا قوای روسی بشدت ضعیف شوند و اقتصاد این کشور نیز توان ایستادن دوباره روی پای خود را نداشته باشد، حالا از فروش موشک‌های دوربرد که می‌تواند خاک روسیه را هدف قرار دهد به اوکراین خودداری می‌کند و اعتقاد دارد نباید روسیه را بیش از پیش در ماجرای اوکراین تحریک کرد. نظریه کیسینجر برای پایان دادن به جنگ با اعطای برخی مناطق اوکراین به روسیه نیز در همین راستا ارزیابی می‌شود که با مخالفت رهبران غربی مواجه نشد. در اروپا نیز امانوئل مکرون معتقد است نباید روسیه را تحقیر کرد تا کشورهای اروپایی و بویژه فرانسه بتوانند تا روزی که جنگ متوقف می‌شود، از طریق کانال‌های دیپلماتیک، راهی برای خروج از این وضعیت بیابند.

به نظر می‌رسد اروپا و آمریکا به وضعیت بحرانی به وجود آمده برای بازار غلات و انرژی جهان بخوبی واقفند و هر کدام سعی دارند با ایفای نقش تعیین شده در این پازل، به دنبال پایان دادن به این بحران باشند. آمریکا همچنان قرار است نقش پلیس بد را بازی کند؛ کشوری که از برداشته شدن محاصره بنادر اوکراین حمایت می‌کند ولی آن را دلیلی برای رفع بخشی از تحریم‌های خود علیه مسکو نمی‌داند! فرانسه نیز قرار است نقش پلیس خوب یا میانجی دیپلماتیک را بازی کند که به دنبال پایان دادن به این مناقشه برای بازگرداندن روسیه به آغوش نظم بین‌المللی فعلی است! همه اینها در حالی است که تلاش آمریکا برای بازگرداندن عربستان (بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت جهان) به جامعه جهانی و محور غربی که بعد از قتل خاشقجی به صورت عمدی از این جامعه رانده شده بود، در همین راستاست.

همه این تلاش‌ها برای پایان دادن به جنگ اوکراین بدون برداشتن تحریم‌ها علیه روسیه، عملا تنها بخش کوچکی از بحران‌های ایجاد شده فعلی و بحران‌هایی که قرار است در آینده ایجاد شود را مدیریت می‌کند. باز شدن بنادر اوکراین تاکنون باعث نشده است صادرات محصولات این کشور به صورت عادی انجام شود و تنها به دزدی بیشتر غلات یا انحصار داشتن آنها در دست یک یا ۲ کشور دامن زده است. افق نگاه بایدن به مسائل جهانی تا حد زیادی متاثر از انتخابات‌های پیش رو در آمریکاست. او تلاش دارد تا برگزاری انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره در آبان‌ماه سال جاری، تا حدی بحران اقتصادی و انرژی به وجود آمده در آمریکا را حل کند و برای بعد از آن، برای حل‌وفصل این بحران و درگیری، به گونه‌ای که منجر به قحطی بزرگ در جهان نشود، برنامه‌ای ندارد.

از پایان مسیر آزادی سقط جنین خبر دارید؟

دیدگاه

رها عبداللهی: جریانی در کشور وجود دارد که هر از گاهی به بهانه‌های مختلف موضوع ممنوعیت سقط جنین در ایران را مطرح کرده، وانمود می‌کند قانون منع سقط جنین یک قانون ظالمانه علیه سلامت روان و جسم بانوان است. بهانه طرح این موضوع هر چیزی می‌تواند باشد. خبر نوزاد رهاشده در خیابان، تصویب قانون جوانی جمعیت، آمار طلاق، آمار زنان معتاد و زندانی و هر چیز دیگری که قابل ربط دادن به ممنوعیت سقط جنین است. این گزاره در مقالات، گزارشات یا میزگردهای خبری روزنامه‌ها و سایت‌های این جریان به بحث گذاشته می‌شود و دلایلی چون بالا رفتن گرایش زنان به سقط‌های زیرزمینی غیربهداشتی، بالا رفتن آمار نوزادان سر راهی، افسردگی زنان، تجاوز و... استدلال افراد برای ادعاهای‌شان علیه این قانون است.

همان‌طور که می‌دانیم این بحث از مباحث جدی در دنیا شده که درگیری‌هایی را هم در نظام حقوقی کشورهایی مثل ایالات متحده آمریکا به وجود آورده است. ۲۴ کشور از ۲۷ کشور اتحادیه اروپایی و بخشی از کشورهای آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا به لغو قانون منع سقط جنین رضایت داده‌اند. این اتفاق در بیشتر ایالت‌های آمریکا نیز افتاده است. برخی سازمان‌های بین‌المللی چون دیده‌بان حقوق بشر سازمان ملل و سازمان جهانی بهداشت از این موضوع حمایت کرده و به کشورهایی که هنوز کوتاه نیامده‌اند، فشار می‌آورند. طبیعی است در ایران هم جریان تابع غرب برای محقق شدن این خواسته تا حد امکان ظرفیت سیاسی، اجتماعی و رسانه‌ای‌اش را پای کار بیاورد.

مهم‌ترین مانع ایستادگی نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در برابر این فشارها شرع مقدس اسلام است. طبق نص صریح شرع مقدس اسلام و دیگر ادیان الهی، سقط جنین ممنوع است و جواز آن تنها در صورت به خطر افتادن جان مادر آن هم تحت شرایطی خاص صادر می‌شود. برخی فتاوا راجع به جواز سقط جنین‌های ناهنجار هم وجود دارد که تشخیص آن با حاکم شرع است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سقط جنین عمدی در هر مرحله از رشد ممنوع است و برای پزشک و افرادی که مرتکب سقط جنایی شوند، مجازات حبس و پرداخت دیه اعمال می‌شود.

حکمت این احکام، محترم شمرده شدن جان انسان‌ها به محض وجود یافتن است. خالق حکیم، جنین یعنی ضعیف‌ترین مخلوق خود را به دامان امانتداری سپرده که با نیروی مهر مادری قادر به حفظ این امانت می‌شود. اگر جان این موجود ضعیف تضمین نشود، نه‌تنها بقای حیات بشریت به خطر می‌افتد، که انسانیت و شرافت تهدید می‌شود.

با وجود چنین حکمت و مصلحت واضحی، طرفداری از سقط جنین در کشور اسلامی ما با فرهنگی آمیخته به عواطف انسانی بسیار عجیب است. شاید مرور سیر تاریخی و ماهیت اصلی رویداد هولناک آزادی سقط جنین در جهان بویژه غرب، بهتر نشان دهد نهایت این مطالبه ظاهرا روشنفکرانه و مدرن توسط غربگرایان ایرانی چه خواهد بود.

در گذشته‌ای نه چندان دور، تمام ادیان و نظامات حقوقی دنیا با سقط جنین مخالف بودند؛ تا اینکه مبارزه با ممنوعیت آن با فعالیت‌های موج دوم فمینیسم آغاز شد. پشتوانه فکری این مبارزه، حقوق زن بر بدن خود بود و همین مبارزه به مرور بویژه با انقلاب جنسی توانست سنگر به سنگر نظام‌های فرهنگی و حقوقی کشورها را فتح کرده و ممنوعیت سقط جنین را پله پله لغو کند. این لغو ممنوعیت ابتدا مشروط به در خطر بودن جان مادر و ناقص بودن جنین بود و کم‌کم بارداری حاصل از تجاوز و سپس هر نوع بارداری ناخواسته به آن اضافه شد. البته نظام‌های حقوقی موافق سقط جنین برای مجوز سقط، محدودیت سنی تعیین کردند که این محدودیت علاوه بر دلایلی چون خطر و عوارض بیشتر برای مادر، نشان می‌داد آنان دل‌شان نمی‌خواهد جنینی را که بسیار شبیه یک انسان کامل شده از بین ببرند اما این ترحم نسبت به جنین هم دیری نپایید و بالاخره دادگاهی در آمریکا مجوز قتل جنین تا پیش از تولد را صادر کرد؛ با این توجیه که دیگر هیچ نوزاد ناخواسته‌ای پا به عرصه حیات نگذارد، بدون اینکه پاسخ دهند نوزاد یک دقیقه پیش از تولد و پس از تولد چه تفاوتی با هم دارند. از آنجا که واضح شده بود انسانیت نقشی در قواعد حقوقی حاکم بر غرب ندارد، بالاخره دادگاه دیگری باز هم در آمریکا حکمی صادر کرد تا ثابت کند افول رحم در بشر کف ندارد و بناست تا ناکجا پیش برود. این دادگاه مجوز قتل نوزاد ناخواسته پس از تولد تا ۲۸ روز را داد تا مادری که باید نوزادش را در آغوش کشیده شیر در کامش بریزد، اجازه داشته باشد قاتلش شود! متاسفانه جامعه علمی پزشکی هم به تئوریزه شدن این جنایت هولناک کمک کرد تا نشان دهد ماجرای جاندار بودن یا نبودن جنین که تا به حال مطرح می‌شد، توجیه رذیلانه اومانیسم برای سوق دادن آدم‌ها به سمت جنایتکار شدن آن هم به نام آزادی و حقوق فردی است. مجله اخلاق پزشکی در استرالیا مقاله‌ای منتشر کرد که در آن توصیه شده بود اگر مادری نوزادی را به دنیا بیاورد و او را نخواهد، باید حق از بین بردنش را داشته باشد. قبحی که با صدور مجوز قتل جنین به بهانه کامل نبودن ریخته شد، سرانجام به تئوریزه شدن صدور جواز قتل نوزاد تسری پیدا کرد.

غرب نشان داد خواستن یا نخواستن «مادر» تنها ملاک حق حیات نوزادان است. ماجرا اما همین جا تمام نشد. آنان دیدند واژه مادر بار عاطفی خاصی دارد که ممکن است مانع اصالت «حق انتخاب افراد» شود. این بود که واژه «مادر» از بودجه سال ۲۰۲۲ کاخ سفید حذف شد و به جای آن واژه «زائو» درج شد. پیش از آن نیز نظام پزشکی بریتانیا استفاده از واژه مادر را برای پزشکان ممنوع کرده بود. البته دلیل اعلام شده توسط آنان بار جنسیتی واژه مادر بود که ممکن است افراد تراجنسیتی را ناراحت کند اما واقعیت این است که باید همه مناسبات و عواطف انسانی به عنوان مانعی برای اهداف مدرنیته حذف شوند و مادر بودن یکی از آن موانع است.

بار تاثیرات جواز سقط جنین در همین جا متوقف نمی‌شود. جز قلع و قمع عواطف انسانی، ذبح اخلاق و حرمت خانواده نیز با این ماجرا میسرتر شد. سال ۱۹۷۳ که دیوان عالی ایالات متحده آمریکا آزادی سقط جنین را قانونی کرد، طی ۶ سال سقط جنین در این کشور از سالانه ۷۴۴۶۷۰ مرتبه در سال به ۱۴۹۷۵۷۰ مرتبه رسید! یعنی بیش از ۲ برابر! واضح است یکی از دلایل چنین افزایش غیرمعمولی، برداشته شدن یک مانع بزرگ برای روابط نامشروع بود. گویی منع سقط جنین تا حدی به عنوان یک عامل بازدارنده برای افسارگسیختگی روابط جنسی عمل می‌کرد.

نباید گمان کرد این آمار اتفاقی به وجود آمده و نظام فرهنگی غرب تقابلی با این اتفاق دارد. سال‌هاست کنوانسیون‌های متعدد سعی در تحمیل قواعد خود به قوانین سن ازدواج در کشورهایی نظیر ایران تحت عنوان سلامت باروری و حمایت از حقوق دختران و زنان دارند و ماجرای «کودک‌همسری» نیز تحت این عناوین مطرح و پیگیری می‌شود تا قانون را وادار کند ازدواج زیر ۱۸ سال را ممنوع کند اما در غرب نه تنها روابط جنسی برای نوجوانان زیر ۱۸ سال ممنوع نیست، بلکه حمایت هم می‌شود. به عنوان مثال یکی از بندهای لایحه حمایت از دختران مطرح شده از سوی دولت اسپانیا این است که از این به بعد دختران زیر ۱۸ سال برای سقط جنین نیازی به اجازه والدین نخواهند داشت. آنان اجازه دارند بدون ازدواج باردار شوند، سقط جنین کنند و والدین آنان هم امکان مداخله در این مساله را ندارند تا هیچ مانعی برای آزادی جنسی وجود نداشته باشد.

آری! آزادی سقط جنین نقطه آغازی است که پایانش را واژه‌های در ظاهر زیبای حمایت از حقوق زنان و سلامت باروری و حتی مغالطه «حق زنان بر بدن خویش» تعیین نمی‌کند. افول ارزش‌ها و عواطف انسانی، تقدس‌زدایی از مادری، نابودی خانواده و انداختن همه انسان‌ها در منجلاب فساد و روابط نامشروع بخشی از آثاری است که تاکنون اتفاق افتاده و معلوم نیست تا کجا ادامه پیدا کند. سیاسیون، دانشگاهیان و فعالان رسانه توصیه‌کننده به آزادی سقط جنین در ایران از این آثار اجتناب‌ناپذیر بی‌خبرند؟